**تفکر با حقیقت انقلاب اسلامی**

**باسمه تعالی**

**« وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»**(نحل/44)[[1]](#footnote-2)

**«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** **اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ»**

**«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسى‏ بِآياتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ في‏ ذلِكَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»**(ابراهیم/5) ایّام اللّهی که خداوند در رابطه با آن می‌فرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ في‏ شَأْنٍ»(الرّحمن/29)

رسول خدا می‌فرمایند: « إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» ( بحار الأنوار ، ج‏68، ص: 221)

1- جدّی‌ترین تفکر در این زمانه آن است که ما هنوز تفکر نمی‌کنیم.

2- علم و فلسفه به خودی خود تفکر نیست، زیرا باید علم و تفکر محل ظهور ندایی باشد از باطن عالم.

3- تفکر، تذکر است بر امری که بر ما تقدیر شده، یعنی یادآوری بنیاد.

4- ما در بسیاری موارد آن‌چه را که تفکر نیست، تفکر گرفته‌ایم.

5- تفکر راهی است به سوی حقیقت بدون آن‌که گمان کنیم حقیقت در دست ما قرار گرفته.

6- مقصد، رسیدن به حقیقت است ولی راه آن کدام است؟

7- تفکر از جایی آغاز می‌شود که چیزی خود از جانب خود، ما را به تفکر فرا خواند.

8- تفکر از جایی آغاز می‌شود که امری اندیشیدنی ما را به تفکر درباره‌ی خود فرا خواند.

9- تفکر، تذکر است ولی نه به معنایِ احضار امر رفته. تفکر، تذکر امر اساسی جان انسان‌ها است. یعنی تذکر همان یادآوری بنیاد انسان‌ها است که در هر تاریخی با آن روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را در بر گرفته.

10- تفکر، راهی است به سوی اندیشیدنی‌ترین امر در هر تاریخ، در حالی‌که پا به گریز دارد.

11- تفکر از جایی آغاز می‌شود که امر اندیشیدنی و قابل تفکر، ما را به تفکر درباره‌ی خود فرا خواند. یعنی تفکر نوعی فراخوان است.

12- باید تفکر را بیاموزیم و آن با تذکر به آن‌چه در جان ما وارد شده، پیش می آید، وقتی رسولی آن را تبیین کند تا از آن خودمان شود.

13- چیست امر اندیشیدنی‌ترین در این تاریخ که تا به آن نیندیشیم، هنوز اندیشه نمی‌کنیم.

14- در فهم انقلاب اسلامی چه چیزی نااندیشیده مانده است که ما هنوز نتوانسته‌ایم به اهداف انقلاب اسلامی که در آغاز مدّ نظر بوده است، دست یابیم؟ جز این است که انقلاب اسلامی حقیقی‌ترین اندیشه در این تاریخ را در افق جان ما قرار داد تا ما انسانی شویم که این اندیشه برای او آرامش‌بخش باشد؟ هرچند ممکن است در برهه‌ای از یک دوران تاریخی، افق زمان پوشیده و «وقت» گم شود و البته آن‌جا همگی از «وقت» برخوردار نیستند.

15- ما با درک بی‌واسطه‌ی خود می‌توانیم با حقیقت انقلاب اسلامی مرتبط باشیم، در آن صورت زبان ما، زبان انقلاب اسلامی خواهد بود. زبانی ماوراء زبان روزمرّگی. مثل آن‌که شعر، شاعران را در بر می‌گیرد و شاعر با سرودن شعر شاعر می‌شود. شاعر و متفکر به یافت‌هایی می‌رسند که در قصدشان نمی‌گنجد و آن یافت، بزرگ‌تر از تصور شاعر و متفکر است زیرا آن‌ها سخنِ تاریخ خود را می‌گویند.

16- تفکر، امری است تاریخی یعنی یک دوران تاریخی را بنیاد می‌نهد و آن را «راه» می‌برد و نگهداری و نگهبانی می‌کند به قسمی که این تاریخ در سایه‌ی آن تفکر دوام و بسط می‌یابد و با آن زندگی می‌کند و دوام می‌آورد. این تاریخ، امری جدا از ما نیست، از درون، ما را فرا گرفته به همان معنای «ما نزّل الیهم».

17- اندیشه‌انگیز آنی است که برای اندیشیدن به ما داده می‌شود که در این تاریخ ذیل اسلام، انقلاب اسلامی است. در این زمان چیزی وجود دارد که خود از پیش خود برای اندیشیدن به ما داده می‌شود. خداوند ما را بدان فرا می‌خواند تا به آن بیندیشیم وتفکرکنان به آن فکر کنیم، مثل آن‌که در آیات قرآن باید تدبّر کنیم. گمان می‌رود ما انسان‌ها هنوز به آن‌چه مشتاق اندیشیده‌شدن است یعنی انقلاب اسلامی، آن‌طور که لازم است رو نیاورده‌ایم.

18- فهم انقلاب اسلامی، چون هر فهم و دانستنی نیست که حاصلِ شناخت باشد، بلکه حقیقتی است وجودی که در ماهیت خود منشأ تفکر ما خواهد بود.

19- این‌که ما هنوز فکر نمی‌کنیم بیش‌تر به جهت آن است که خودِ آن‌چه باید به آن اندیشید از ما رو می‌گرداند، از مدت‌ها پیش رو گردانده است. امید است «وجود» با انقلاب اسلامی خود را به ما نشان دهد و در آن صورت انقلاب اسلامی معنای دیگری پیدا می‌کند و به ما رومی‌آورد تا به آن بیندیشیم و در آن صورت تفکر به سوی ما برمی‌گردد .

 20- گفتیم آن‌چه باید به آن اندیشید چندان که بسنده باشد به ما رو نمی‌کند. اما این واپس‌گریزی نه چنان است که هیچ باشد بلکه خودِ این واپس‌گریزی طبیعی است، به طوری که از جهتی دیگر می‌تواند از هر امر حاضری با انسان مواجه و بر انسان وارد ‌شود و این مربوط به ‌بودن انقلاب اسلامی است که با ما به طریقی رازآمیز در گفتگو است.

21- این نکته‌ی مهمی است برای تفکر که بدانیم رویدادِ واپس‌گریزی انقلاب اسلامی می‌تواند در عین حال حاضرترین امر در مقایسه با همه‌ی آن‌چه تا کنون حاضر است، باشد و به نحوی بی‌پایان از واقعیتِ هر آن‌چه واقعی است فراتر رود.

آن‌چه از ما واپس می‌گریزد با همین واپس‌گریزی، ما را نیز از پی خود می‌کشد، زیرا ذات ما پیشاپیش مهر و نشانِ کشش به آن را در خود دارد.

22- تا آن‌جا که انسان در مسیر انقلاب اسلامی است، در تمام عمر به آن‌چه واپس می‌گریزد، یعنی انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند. وقتی انسان در مسیر انقلاب اسلامی قرار گرفت در مقام چیزی است که به راحتی خود را نشان نمی‌دهد، ولی همواره اندیشه و اندیشیدن او به آن انقلاب اشاره دارد، بنیان او نهفته در چنین اشاره‌ای است. یک انسان انقلابی در راه کشش به سوی انقلاب که همچنان گریزنده است، نشانه می‌گیرد و به سوی آن‌چه خود واپس می‌گریزد اشاره می‌کند.

23- ما باید تفکر را بیاموزیم، این می‌طلبد که پیشاپیش مشتاق به آنی باشیم که تفکر را مخاطب خویش می‌سازد. و این آنی است که از جانب خود، خود را برای اندیشیده‌شدن عطا کند. آن‌چه این عطیه را به ما می‌دهد تا به صورتی اصیل به آن بیندیشیم همانی است که ما اندیشه‌انگیزترین‌اش می‌نامیم که در این تاریخ انقلاب اسلامی است و حضرت امام«رضوان‌اللّه‌تعالی‌علیه» به‌خوبی به آن اندیشیدند و شهداء نیز پیرو ایشان، فهمیدند در این تاریخ به چه‌چیز باید بیندیشند.

1. - قرآن در رابطه با نسبت حضور تاریخی و تعقل و تفکر می‌فرماید: «أَ فَلَمْ يَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذينَ اتَّقَوْا أَ فَلا تَعْقِلُونَ»(یوسف/ 109) و «أَ فَلَمْ يَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها فَإِنَّها لا تَعْمَى الْأَبْصارُ وَ لكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتي‏ فِي الصُّدُورِ»(حج/46) [↑](#footnote-ref-2)